

طب سوزنی در معرض شاک و تردید*

دکتر میکائیل دوباکی **

مجله نظام پزشکی

سال سوم، شماره ۴، صفحه ۳۷۳-۳۷۲، ۱۳۵۲

مدت روی کار آمدن یک نسل کافی بوده که چین، این مملکت قحطی زده و درگیر بالامراض و اکبر گوناگون، به یک جامعه‌ای با فراد قوی و دارای منظم ترین و مؤثر ترین سروشهای پزشکی دنیا تبدیل گردد و این است آنچه بنظر من معجزه واقعی پزشکی چین است. موضوع دیگری که برای من جالب توجه بود علاقه و محبتی است که پزشکان نسبت به بیماران خود ابراز میدارند، همچنین کوششی که برای توسعه معلومات خویش، بوسیله تبادل اطلاعات با خارج، بکار می‌برندند. اما آنچه درباره طب سوزنی فرا گرفتم کمتر روی من تأثیر گذاشته است.

چنین بنظر میرسد که در مغرب زمین برای طب سوزنی شوق و ولعی بیش از آنچه در اطبای چینی متخصص در اینکار وجود دارد، ابراز می‌شود. شاید این امر در نتیجه عدم اطلاع یا علاقه مفرط به جنبه حقیقی دادن بخواب و خیالها باشد. متخصصین چینی با نهایت صراحت و راستی عدم اطمینان خویش را اظهار میدارند و بمحدود بودن دائم تأثیر آن مذعن هستند و این ادعا را که طب سوزنی ممکن است تأثیر شگرفی در پیشرفت پزشکی داشته باشد با نظری احتیاط آمیز تلقی می‌کنند ولی این احساس در میان آنها وجود دارد که در مسیر کشف مهمی هستند و در عین حال اذعان دارند که طب سوزنی با وجود توسعه‌ایکه پیدا کرده هنوز در مرحله آزمایش است.

اعجاب ناظرین متعددی که شاهد عملیات طب سوزنی بوده‌اند کاملاً قابل درک است. مرضی که تنش با سوزن‌های مقعد سوداچ شده در نهایت آرامش بجراح مینگرد و حتی از شکنجه چاقوی جراح خوف و لرزی احساس نمی‌کند، چنین منظره‌ای نمی‌تواند اعجاب آور نباشد. ولی یک جراح کار آزموده چون بدقت نگرد کمتر

«به نظر این جراح عالی مقام امریکائی، نتایج حاصل از طب سوزنی به قائمترات روانی آن بیش از عمل سوزن‌هاست که دارد»

ماه فوریه گذشته دریکی از مريضخانه‌های شانگهای ناظر عملیات یکدسته از جراحان چینی بودم که در حد انجام دادن جراحی بسیار دقیق قلب باز روی مريض بودند که ظاهرآ بوسیله سوزن بیحس شده بود.

این جوان ۲۱ ساله کاملاً آرام بود و هنگامیکه سینه او را بی هیچگونه ملاحظه، بر طبق روش قدیمی، با قیچی و چکش باز کردند بنظر نمیر سید کمترین احساس ناراحتی کند. سه ربع ساعت قلب او متوقف بود و گردش خون از طریق یک دستگاه قدیمی «قلب - رید» انجام می‌گرفت. در این مدت جراحان یکی از دریچه‌های داخلی را که پاره شده بود باخ غابریشم میدوختند و در حالیکه یکی از جراحان، قلب بیچر کت جوان را در دست داشت، این مريض با آرامی با متصدی سوزن صحبت میکرد. عمل جراحی با وجود محدود بودن وسایل، عالی و نتیجه موافقیت آمیز بود.

طب سوزنی؟ امروز هم مانند قبل از مسافرت به چین، در با ارزش بودن این روش از نظر طبی مشکوکم. عمل جراحی با قلب باز را که بدان اشاره کردم و تا این درجه برایم اعجاب آور بود، ششین و آخرین عملی بود که با استفاده از بیحسی سوزنی در حضور من انجام می‌شد و در عرض دوهفته در پکن و نانکن و شانگهای بعنوان مهمان اتحادیه پزشکان چینی ناظر اجرای آنها بودم. ولی آنچه ضمن بازید از مريضخانه‌ها و درمانگاه‌های روسنایی و کارخانه‌های تهیه مواد داروئی و خدمات دیگر بهداشتی مشاهده کردم بیش از آن عملیات جراحی مرا تحت تأثیر قرارداده بود.

* ترجمه از مجله Sélection، نوامبر سال ۱۹۷۳
** Don Schanche با همکاری Dr. Michael DeBakey

دیگر میگفتند اغلب این بیحسی موضعی را برای اختراز از احساس درد ناشی از اولین برش در پوست انجام میدهند. این اولین باری بود که من بکاربردن بیحسی موضعی را در این قبیل اعمال مشاهده کردم. اگر این روش عمومیت میداشت، طب سوزنی جنبه اسرار آمیز خود را از دست میداد و درواقع عمل مشابه اعمال جراحی بود که سابقاً بطور عادی با بیحسی موضعی هم‌جا انجام میشد. پس از انجام دادن این بیحسی، جراح بایک چاقوی کوچک جراحی سراسر روی استخوان را شکافت. بدقت چهره مریض را مشاهده میکردم، کاملاً آرام بود حتی موقعیکه قسمتی از استخوان را با قیچی و چکش شکاف دادند کوچکترین اثر ناراحتی در چهره او پدیدار نشد، درصورتیکه عمل بانهایت خشنوت انجام میگرفت و بی‌شباعت بشکافتن یک کنده چوب تر با یک کانگ دو سر نبود، ضربهای جراح بقدرتی شدید بود که بدن مریض را به حرکت میاورد. پس از شکافتن قسمتی از استخوان برای برشیدن استخوان یک اره ژیگلی Gigli بکار برده شد، سپس یک جداکن دنده نصب گردید و قفسه‌سینه را کاملاً باز کردند. بقیه عمل بطبق معمول انجام شد با این تفاوت که در تمام مدت سه ساعتی که عمل طول کشید مریض بیدار بود حتی کامی کلماتی هم بامتصدی بیحسی رد و بدل میکرد درحالیکه قلبش متوقف بود.

از نظر فنی، جز درموقع برش اولیه که در دنگ است، بیحسی لازم نبست زیرا دنباله کار ایجاد درد نمیکند. ولی دو مرحله در دنگ دیگر وجود دارد، یکی برشی که در ران برای نصب لوله انتقال بماشین قلب و ریه مصنوعی انجام گرفت و دیگری بخیه کردن آخر عمل.

گرچه تحمل دردهای کوتاه مدت فاشی از فرو رفتن نیش تیز چاقو در بدن بسیار مشکل است ولی مهمنتر و دهشتناکتر ترس و وحشت ناشی از نوع عملی است که مریض با آن سر و کار دارد و در اینجا است که بعقیده من سر بزرگ طب سوزنی نهفته است. ضمن شش عملی که ناظر آن بودم ابدآ ندیده و نشنیدم که مریض ابر و خم کند یا ناله سر دهد. تنها یکبار ناله مریضی بلند شد و آن موقعی بود که پس از خاتمه عمل، جراح برای گذاشتن یک درن، شکافی عمیق در بدن مریض ایجاد کرد.

باید مذکور شوم بیمارانی که من شاهد عمل جراحی آنها بودم در زمرة بیمارانی بودند که بطبق موازین بسیار دقیق انتخاب شده بودند. میزبانان من توضیح دادند که همه بیماران قدرت تحمل این نوع عمل را ندارند. تعداد داوطلبان در چنین بیمارستانی هفت درصد و بطورکلی حداکثر سی درصد است. عمل جراحی روی این قبیل داوطلبان که بدقت انتخاب شده‌اند ۹۰ درصد

از این ناطر عادی‌هاج و واج میشود. برای اثبات این نظر بهترین کار تشریح جریان جراحی قلب باز است که در حضور من در شانگهای انجام گرفت.

هنگامیکه به ساختمان جراحی بیمارستان شماره ۳ شهرداری، که از بنایهای دوره استعماری انگلستان است، وارد شدم جوانی که میباشد تحت عمل قرار گیرد و روی تخت جراحی خوابیده بود، خواب نبود ولی چنان درحال چرت بود که سوال کردم آیا او تحت تأثیرداروهای مخدوش از داروهای مخصوصی بی‌هوشی جواب داد، فنوباربیتال (phenobarbital) برای آرامش و دهی‌میلگرام هر فین برای تسکین درد باور داده است. این مقدار برای بیحسی کامل کافی نیست ولی اثر مرادف دو دارو کافی است که یک حالت آرامش بمریض داده واورا دروضع تلقین‌پذیری (suggestibilité) قرار دهد.

در این موقع متصدی سوزن شروع بکار کرد و سوزنهای ایکه از فولاد زنگ نزن ساخته شده بود در نقاط معینی از بدن فرو میبرد. دور این سوزنها تا نزدیک ۲ یا سه سانتی‌متر از نوک، سیم بیچی شده است بدین وسیله سوزن درجه‌جایی که فرو می‌رود محکم نگاهداری میشود. موقع فرو بدن، سوزنها را میچرخانند. چهار سوزن در گوش چپ، یک سوزن در زیر هر یک از بازوها (قسمت جلو)، یک سوزن در هر یک از دستها در محل اتصال انگشت شست با انگشت اول فرو برد و شد سوزنها را که فرو کرد با سیم آنها را بیک مولد الکتریکی از نوع ماشینهای ایکه برای تنظیم عمل قلب بکار می‌رود اتصال داد و موتور را برای انداخت ماشین حربیان متناوبی با تناوب ۱۲۰ سیکل در دقیقه به هر یک از هشت سوزن میفرستاد. اثر ضربهای جریان باولنائز ضعیف بصورت انقباضهای تشنجی در دستهای مریض مشاهده میشد.

در جریان بیحس کردنها ایکه در شرایط مشابه در عمل‌های دیگر ناظر بودم فرستادن جریان برق در سوزنها را مشاهده کرده بودم ولی عملی را دیدم که ضمن آن متصدی سوزن، سوزنهای را میچرخاند و ضمن چرخاندن آنها را در نسوج زیر جلدی بالا و پائین میبرد. ظاهراً هر دو روش بر مریض تأثیر مشابهی دارند. بنظرم در محل فرو برد سوزن تأثیری در توجه حاصل نداشته باشد. من عملی را مشاهده کردم که فقط یک سوزن روی بازو (قسمت جلو) فرو برد بودند. در عمل دیگر زیر بازو و یا گوش سوزن زده بودند.

بر گردم به تشریح جریان عمل قاب باز: سوزنها بناصله ده دقیقه اثر خود را بخشیدند ولی قبل از اینکه جراح چاقوی خود را بdest گیرد، بیحسی موضعی بوسیله تزریق در پوست و نسوج مجاور استخوان جلو قفسه‌سینه انجام داد. جراحان

نوهنه دارد ایجاد حالت آرامش در هر یقه‌ای منتخب است، حالت آراشی که بآنها اجازه میدهد عمل جراحی را تحمل کنند، چنان عملی که برای اغلب مردم وحشت‌آور است. باید اذعان کنم که مشاهده این وضع برای من نیز مانند دیگران که شاهد این پدیده بوده‌اند تعجب آور است.

ضمناً نباید فراموش کرد که طب سوزنی در چین ساقه‌ای بس درازا دارد که متجاوز از سی قرن است. فرهنگ عامه چین پر از آثار و شواهد معجزه‌آمیز این هنر است در سالهای اخیر که چین در صدد ارتباط دادن طب سنتی خود باطب جدید غربی برآمده طب سوزنی نیز نفع گرفته است.

بعقیده من آرامش و سکونی که در هریضان تحت عمل مشاهده میشود بعوامل روانی بیش از عل لفیزیولوژی ارتباط دارد. آیا با یک نوع تلقین بنفس (autosuggestion) سروکار نداریم؟ من نمیدانم. باید روش را از نزدیک مورد مطالعه قرار داد و دلیل منطقی برای رد یا اثبات آن بدست آورد. صاف و بی‌پرده بگویم من تصویر نمیکنم بتوان از طب سوزنی بنتایجی دست یافت که در طب جهانی تأثیر بسیار عمیق داشته باشد.

موفقیت آمیز است. انتخاب شدگان از اشخاصی هستند که دارای خلق و خوبی بسیار آرام و حالت عمومی رضایت‌بخشی میباشد. اعمالی که قرار است روی آنها انجام گیرد به اطلاعشان میرسد و تنها در صورتیکه علاقه و افر نشان دهد نسبت به عمل آنها با بیحسی سوزنی اقدام میشود.

من شخصاً بیک روش بیحسی که روی بعضی هؤلر و روی دیگران اثری ندارد بچشم بدبینی مینگرم. موضوع دیگر که مرا رنج میدهد این است که روش کار در بیمارستان‌های مختلف متفاوت است بی آنکه هیچ دلیل و توضیح منطقی داده شود. بعلاوه بمنظور میرسد نقاط فروبردن سوزنها ارتباطی با سیستم عصبی ندارد. از طرف دیگر دلیلی در دست نیست که ادعای کنیم روش دیگری غیر از اعصاب و سیله انتقال در در داخل بدن باشد. چینی‌ها کوشش دارند توضیحاتی در اینباره بدھند ولی قانع کننده نیست.

دبینی من نسبت به طب سوزنی از این روتقوقیت میشود که باستثنای عمل با قلب باز که شرح آنرا دادم کارهای اینرا که ضمن دیگر عملها ناظر اجرای آن بودم همه در دریف کارهای جراحی است که من و همکارانم با همان موفقیت با استفاده از بیحسی هوضی انجام میدهیم. سرّ بزرگی که طب سوزنی، بطوریکه من مشاهده کردم،